

کتاب‌های درسی و هویت ملی (فرا تحلیل مطالعه‌های انجام شده درباره کتاب‌های درسی)

فوروزنده جعفرزاده پور*

E-mail: forouzj@yahoo.co.in

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۶/۷

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۴/۲

چکیده

برای ایجاد و تقویت ملی در نسل آینده یک کشور، نهاد آموزش و پرورش، ابزارهای سه‌گانه فضای آموزشی، معلم و کتاب‌های درسی را در اختیار دارد. از آنجا که کتاب‌های درسی به صورت متمرکز تدوین شده و به طور یکسان در سراسر کشور استفاده می‌شوند، بررسی آنها با رویکرد هویت دینی - ملی، از چگونگی تأثیر احتمالی آنها بر هویت‌یابی گروه سنی مخاطب، حکایت دارد. در سال‌های اخیر، بررسی کتاب‌های درسی از دیدگاه هویت ملی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و شانزده پژوهش در این حوزه انجام شده است. در مقاله حاضر، این مطالعه‌ها با هدف به دست دادن تصویری کلی از کتاب‌های درسی با رویکرد یاد شده و با روش فراتحلیل، بررسی شده است. پژوهش‌ها بر اساس دوره تاریخی، گویه‌های مورد نظر و تعداد تحلیل گردیده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در دوره‌های زمانی گوناگون با توجه به سیاست‌های کلان جامعه، تدوین‌کنندگان کتاب‌های درسی به یکی از دو بعد دینی و یا ملی هویت ملی ایرانیان توجه نموده‌اند و بعد دیگر، کمتر مورد توجهشان قرار گرفته است. با توجه به ویژگی هویت ملی ایران، توجه مناسب به هر دو بعد برای ایجاد هویتی منسجم در دانش‌آموزان ضروری می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: کتاب‌های درسی، آموزش و پرورش، هویت ملی، هویت

دینی، ایران.

* استادیار گروه جوانان و مناسبات نسلی پژوهشگاه علوم انسانی و جهاد دانشگاهی

بیان مسأله

هویت امری است سیال و فرایند هویت‌یابی در طول زندگی انسان ادامه دارد؛ ولی شکی نیست که هویت‌یابی انسان‌ها از دوران کودکی آغاز و در دوران جوانی ادامه می‌یابد؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که مهمترین دوران شکل‌گیری هویت و هویت‌یابی، دوره نوجوانی و جوانی است و آموزه‌های این دوران زندگی انسان همچون نقش‌هایی حک شده بر سنگ‌ها به آسانی از یاد فرد نخواهد رفت. در نگاه نخست به نظر می‌رسد وظیفه نهاد آموزش، تعلیم گروه مخاطب می‌باشد؛ ولی حقیقت این است که مهمترین بنیادی‌ترین کار این نهاد در هر جامعه، پرورش دادن انسان‌های علاقه‌مند به میهن، آگاه به ارزش‌های ملی و دینی و متعهد و متعلق به کشور و دین می‌باشد. انسان‌هایی با این ویژگی‌ها خواهند توانست علم خویش را در راه توسعه و سعادت ملک و دین‌شان به کار بندند و به دلیل احساس تعهد و وابستگی به کشورشان در این راه از هیچ تلاشی دریغ نخواهند کرد.

بدین ترتیب ایجاد زمینه‌های وابستگی به جامعه ملی در کودکان، نوجوانان و جوانان از مهمترین وظیفه‌های حکومت است.

یکی از ابزارهای مهمی که حکومت‌ها برای حفظ تمامیت ارضی و بقای سیاسی خود از آن سود می‌جویند، نهاد آموزش و پرورش است. این نهاد بخش عمده‌ای از دوران پایه‌ریزی شخصیت افراد جامعه را در ابعاد مختلف شکل می‌دهد و هدایت می‌کند (عبدی و لطفی، ۱۳۸۷).

یکی از مهمترین اولویت‌های حکومت، حفظ تمامیت ارضی کشور است. حکومت‌ها این وظیفه را با تمام ابزارهایی که در دست دارند، انجام می‌دهند آموزش یکی از این ابزارهاست. یکی از هدف‌های آموزش رسمی که از سوی دولت‌ها به صورت آزاد و یا با استفاده از پارانه‌های عمومی، شکل می‌گیرد، ایجاد احساس هویت و آرمانی مشترک است که به صورت آرام و تدریجی منتقل می‌گردد (بلک سل، ۲۰۰۶: ۶۰). احساس وابستگی به جامعه ملی و آگاهی کامل از ابعاد و زوایای هویت ملی، احساس تعلق و تعهد به جامعه را پدید می‌آورد. اگر آگاهی از هویت ملی در جامعه‌ای وجود نداشته باشد و یا به شکل ناقص و سطحی باشد، نه تنها از ایفای نقش خود در پیدایش، تداوم و حفظ کشور بازخواهد ماند، بلکه وابستگی و تعهد به آن نیز حاصل نخواهد شد. لازمه تحقق این امر، آموزش و به‌ویژه استفاده از روش‌های غیرمستقیم برای انتقال مفاهیم است. چيستی و چگونگی آموزش در مدرسه‌ها، بازنمودی از

اولویت‌های فرهنگ خاص و نشان‌دهنده گرایش به القای آنها به نسل در حال رشد می‌باشد (میلر، ۱۳۸۳: ۱۱۱). در ایران، با توجه به اوضاع و ویژگی‌های جمعیتی، این امر، اهمیت بسیار دارد؛ زیرا بخش عمده‌ای از جمعیت کشور جوان است و نخست خانواده و سپس مدرسه در شکل‌گیری هویت این گروه سنی، تأثیری بسزا دارند.

در جهان متکثر امروز عوامل و زمینه‌های گوناگونی در شکل‌گیری هویت ملی افراد مؤثرند. براساس نظر پژوهشگران، با وجود تغییر نقش و جایگاه خانواده، این نهاد همچنان به مثابه اصلی‌ترین عامل هویت‌یابی افراد سهم قابل توجهی دارد (تقی‌زاده برهانی، ۱۳۸۵). پس از خانواده، آموزش و پرورش و به‌طورکلی نهاد تعلیم و تربیت در جایگاه دوم اهمیت قرار دارد. ربانی با تأکید بر تغییرهای جهانی و تأثیر آن بر جامعه‌ها به نقش اساسی و بی‌مانند آموزش در هویت‌یابی نسل آینده اشاره می‌کند و می‌گوید:

یکی از مؤلفه‌های تکوین هویت در فرد و جامعه، آموزش یا تعلیم و تربیت است. به‌ویژه در جهان امروز که ملت‌ها دیگر نمی‌توانند همچون گذشته به گونه‌ای سنتی و طبیعی یا هر طور که خودشان می‌خواهند، زندگی کنند، اهمیت مقوله تعلیم و تربیت دوچندان شده است؛ به همین جهت آموزش و پرورش ملی در هر کشور در این زمینه مسؤولیتی خطیر بر دوش دارد (ربانی، ۱۳۸۰: ۶۵۷).

از سوی دیگر وجود هویت ملی منسجم و قوی، عامل گذار از اوضاع بحرانی نیز قلمداد می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که هویت در دنیای کنونی با چنین وضعیتی روبروست و بنابراین گرفتار بحران توصیف می‌گردد (ر.ک: دوران، ۱۳۸۳؛ شیخاوندی، ۱۳۸۳؛ الطایبی، ۱۳۸۲).

بدین ترتیب حکومت باید در کنار توجه به نهاد خانواده، به دوره آموزش عمومی به منزله یکی از پایه‌های سازنده شخصیت افراد توجه خاص نماید. صالحی عمران با تأکید بر این مهم می‌گوید:

از زمانی که آموزش و پرورش به‌صورت رایگان و اجباری و همگانی به‌عنوان بخشی از راهبردهای توسعه در بیشتر کشورهای جهان، معرفی و اجرا شده است، دست‌اندرکاران آموزش و پرورش کشور بر آن شدند تا با دقت نظر و اعمال حساسیت‌های لازم در مؤلفه‌های تعلیم و تربیت از جمله برنامه‌ریزی درسی و به‌ویژه محتوای درسی، تمهیدات لازم را با اتخاذ روش‌های مناسب برای ایجاد آگاهی و تقویت بعد شناختی و تعمیق و تحکیم حس تعلق به هویت ملی در بعد عاطفی و احساسی در دانش‌آموزان فراهم آورند (صالحی عمران، ۱۳۸۶: ۶۴ به نقل از حاج بابایی، ۱۳۷۱).

کارکردهای آشکار آموزش و پرورش متعددند؛ از جمله: انتقال فرهنگ؛ اجتماعی کردن افراد؛ پرورش و رشد کیفیت کودکان، نوجوانان و جوانان؛ و تربیت و تأمین نیروی انسانی در جامعه (صافی، ۱۳۸۰)؛ همچنین ایجاد سازگاری اجتماعی در فراگیران، و انتقال ارزش‌ها و میراث‌های فرهنگی از دیگر اصول تعلیم تربیت در جامعه است. با توجه به زیاد بودن جمعیت جوان و اجباری بودن آموزش تا پایان مقطع متوسطه در کشور ما، فرصت مناسبی برای تقویت هویت ملی گروه مخاطب (کودکان و نوجوانان) برای دست‌اندرکاران آموزش و پرورش فراهم آمده است؛ اما آیا از این فرصت، استفاده مناسبی هم شده است؟ اگر نهاد آموزش و پرورش مدرسه را به سه محور معلم، فضای آموزشی و کتاب‌های درسی تقسیم کنیم، از آنجا که کتاب‌های درسی در سراسر کشور یکسانند و بر تهیه و تدوین آنها نظارت می‌شود، می‌توان این کتاب‌ها را از جهت بودن یا نبودن مؤلفه‌های تقویت‌کننده هویت ملی در آنها بررسی نمود. درباره میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی، دینی و انقلابی در کتاب‌های درسی مقطع‌های ابتدایی، راهنمایی، و متوسطه و پیش‌دانشگاهی، و در دوره‌های زمانی مختلف، پژوهش‌های فراوانی انجام شده است. در مقاله حاضر می‌کوشیم با فراتحلیل یافته‌های حاصل از این پژوهش‌ها تأثیرگذاری یا بی‌تأثیر بودن این کتاب‌ها در تقویت هویت ملی دانش‌آموزان را واکاوی نماییم.

تعاریف و مفاهیم هویت ملی

هویت ملی عالی‌ترین سطح هویت جمعی است که بر تعهد و وابستگی افراد جامعه دلالت می‌کند. به عبارتی هویت به معنای شناسایی و شناساندن است؛ یعنی انسان خود را در برابر دیگری شناسایی می‌کند و بر همین اساس خود را به دیگران می‌شناساند (مجتهدزاده، ۱۳۷۷: ۱۲۹). حاجیانی در تعریف هویت ملی گفته که مهمترین نوع هویت، هویت ملی است؛ زیرا در حوزه فرهنگ، اجتماع، سیاست و حتی اقتصاد نقش تعیین‌کننده دارد؛ به عبارت دیگر هویت ملی، فراگیرترین و درعین‌حال مشروع‌ترین سطح هویت در تمامی نظام‌های اجتماعی جدا از گرایش‌های جهان‌شناختی می‌باشد. به‌طورکلی هویت را می‌توان به دو دسته فردی و جمعی تقسیم کرد در سطح فردی، مهمترین دوره شکل‌گیری هویت، دوره نوجوانی است. اریکسون در توصیف مرحله‌های رشد روانی اجتماعی می‌گوید: نوجوان در مرحله پنجم به وحدت هویت در برابر سردرگمی نقش می‌رسد و افرادی که با احساس هویت نیرومندی از این مرحله

بیرون می‌آیند، برای روبرو شدن با بزرگسالی به اطمینان و قطعیت مجهز هستند و آنهایی که در رسیدن به هویت منسجم، ناکام می‌مانند، دچار بحران هویت می‌شوند و سردرگمی نقش نشان می‌دهند. آنها نمی‌دانند که چه هستند، به کجا تعلق دارند و یا به کجا می‌خواهند بروند (ایزدی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۶).

هویت ملی در سطح جمعی هویت قرار دارد. آنتونی اسمیت، هویت ملی را بازتولید و بازتفسیر دائمی الگوی ارزش‌ها، نمادها، خاطره‌ها، اسطوره‌ها و سنت‌هایی می‌داند که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند و هویت افراد با توجه به این الگوها، میراث‌ها و با عناصر فرهنگی تشخیص داده می‌شود (اسمیت، ۱۳۸۳: ۳۰). وی معتقد است «هویت ملی و ملیت، سازه‌های پیچیده‌ای هستند که از مجموعه عناصر مشترک و به هم پیوسته‌ای همچون قوم، فرهنگ، سرزمین، اقتصاد و سیاست تشکیل شده‌اند. این عناصر به پیوندهای مشترک میان اعضای اجتماع‌هایی که به واسطه‌ی خاطرات تاریخی، اسطوره‌ها و سنت‌های مشترک وحدت می‌یابند، معنا می‌بخشد (Smith, 1991: 15). منتسکیو^۱ با اشاره به مفهوم «روح کلی» معتقد است که یک نظام اجتماعی، پایدار نمی‌ماند؛ مگر آن‌که احساس عاطفی متناسب با آن، نزد مردم وجود داشته باشد (ریمون آرون، ۱۳۶۵: ۱۳۱ و ۳۴۸). وبر^۲ در تعریف هویت ملی بر «رفتار معطوف به ارزش» تأکید می‌ورزد و دورکیم «عاطفه جمعی و وجدان جمعی» را در این حوزه مطرح می‌کند (وبر، ۱۳۶۷: ۷۱).

نگاهی به پژوهش‌های بررسی شده

بررسی‌ها نشان می‌دهد که درباره‌ی کتاب‌های درسی، شانزده مطالعه با رویکرد هویت ملی انجام شده و در تمامی آنها جز دو مورد، روش تحلیل محتوا به کار گرفته شده است. به‌طور کلی بررسی کتاب‌های درسی با رویکرد هویتی از سال ۱۳۸۴ مورد توجه محققان قرار گرفته است. نخستین مطالعه در این حوزه را ابوالقاسم کلاته عربی در پایان‌نامه کارشناسی ارشدش با عنوان «مطالعه تطبیقی هویت ایرانی در کتاب‌های درسی دوره متوسطه سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۰ و ۱۳۸۲» انجام داده است. وی در پژوهش خود با روش چندمرحله‌ای هدفمند، دوازده کتاب را از سه دوره بررسی کرده و بدین نتیجه رسیده که نگاه حاکم بر کتاب‌ها در مقطع‌های زمانی ۵۶ و ۶۰ از نوع «کهن‌گرایانه» است و در آنها ملت ایرانی، پدیده‌ای دارای قدمت بسیار در تاریخ دانسته شده که با

1- Motesque

2- M. Weber

بنیادهای پیشانوگرایش تمایزی ندارد؛ ولی در مقطع زمانی ۸۲، این رویکرد به صورتی «نماد پردازانه» شباهت دارد، ملت و هویت ملی ایرانی را پدیده‌ای نوین (مربوط به دو سده اخیر) می‌داند که دارای بنیادهای پیشانوگراست و میان هویت ملی و بنیادهایش قائل به وجوه تشابه و نیز وجوه تمایز است. کلاته‌عربی بر آن است که در مقطع زمانی ۵۶ نگرش مثبت به ایران باستان و نوگرایی بیش از دیگر زمان‌هاست و در مقطع ۶۰، نگرش منفی به ایران باستان در کتاب‌ها دیده می‌شود (کلاته‌عربی، ۱۳۸۴: ۱).

شمشیری و نوشادی در سال ۱۳۸۵ کتاب‌های دوره راهنمایی را بررسی کرده‌اند و جامعه آماری تحقیق آنها کتاب‌های تعلیمات اجتماعی، تاریخ و فارسی دوره راهنمایی بوده است. یافته‌های این دو نویسنده حکایت از آن دارد که در بررسی کتاب‌های دوره راهنمایی نیز به گونه‌ای بدین ضعف اشاره شده و به برخی مؤلفه‌های مربوط به پدیده هویت ملی، در حد نسبتاً مناسبی پرداخته شده است. این مؤلفه‌ها عبارتند از: بعد دینی و بعد سیاسی. این در حالی است که برخی دیگر از جنبه‌های هویت ملی مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند (شمشیری و نوشادی، ۱۳۸۵). علیرضایی در پایان‌نامه خویش با عنوان «جایگاه هویت ملی و دینی در کتب درسی دوره متوسطه»، کتاب‌های درسی دوره متوسطه عمومی را تحلیل نموده و جامعه آماری وی شامل هفت کتاب درسی (چهار کتاب جامعه‌شناسی ۱ و ۲، و تاریخ ایران و ادبیات؛ برای حوزه هویت ملی و سه کتاب دین و زندگی ۱ و ۲ و ۳ برای حوزه هویت دینی بوده است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که بیشترین تأکید در هویت ملی در کتاب‌های بررسی شده، مقوله سنت در هویت دینی خدانشناسی و تأکید بر بعد اعتقادی هویت دینی بوده است (علیرضایی، ۱۳۸۵). قلی‌زاده برهانی نیز در پایان‌نامه خویش با عنوان «بررسی تأثیر خانواده و کتاب‌های درسی بر هویت دینی دانش‌آموزان دختر دوره پیش‌دانشگاهی تبریز»، با استفاده از روش‌های مصاحبه نیمه‌ساختاری و تحلیل محتوا جامعه آماری خود را تحلیل نمود. جامعه آماری وی شامل ۲۴ پرسش‌نامه برای والدین، دوازده مصاحبه عمیق نیمه‌ساختار یافته با دانش‌آموزان، و تحلیل محتوای کتاب‌های دینی دوره پیش‌دانشگاهی می‌باشد. وی در این بررسی نشان داد که تأثیر کتاب‌های درسی دینی بر هویت دینی دانش‌آموزان، کمترین میزان را داراست (قلی‌زاده برهانی، ۱۳۸۵).

صالحی عمران و شکیباییان در مقاله‌ای با عنوان «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره آموزش ابتدایی»، ۲۷ جلد کتاب درسی آموزش

ابتدایی سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ را بررسی کرده‌اند. یافته‌های این مطالعه، بیانگر آن است که هر دانش‌آموز که در دوره ابتدایی، بیش از چهار هزار ساعت را در کلاس‌های درس می‌گذراند و ۲۷ جلد کتاب درسی را مطالعه می‌کند که شامل ۵۱۲ درس، ۳۱۹۹ صفحه و ۳۳۳۳ تصویرند، تنها با استفاده از شصت درس در ۱۴۶ صفحه با ۱۳۳ تصویر و به عبارتی با کمترین درس، کمترین تعداد صفحه و کمترین تصویر در کتاب‌ها می‌تواند با هویت ملی خود آشنا گردد؛ اما این نتیجه، آینده مطلوبی برای کشوری با بیش از ۶۰٪ جمعیت زیر ۲۴ سال، که از جوان‌ترین کشورهای جهان شناخته شده، رقم نخواهد زد (صالحی عمران و شکیبیان، ۱۳۸۶: ۸۱).

صادق‌زاده در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درس تاریخ و ادبیات فارسی دوره متوسطه رشته علوم انسانی ایران»، جامعه آماری خود را که شامل کتاب‌های تاریخ و ادبیات فارسی دوره متوسطه رشته علوم انسانی در سال ۱۳۸۵ می‌باشد، مطالعه کرده است. پژوهش وی حکایت از آن دارد که کتاب‌های درسی مورد نظر به صورت ناقص و گذرا هویت ملی را آموزش داده‌اند و در آنها به برخی نمادها توجه نشده است. براساس یافته‌های پژوهش، به نمادهای هویت ملی در میان درس‌ها، و صفحه‌ها و تصویرهای کتاب‌های درسی مورد مطالعه، توجه متعادلی نشده است. با توجه به اینکه از سویی نهاد آموزش و پرورش پس از خانواده، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموزان دارد و از سوی دیگر، کتاب‌های درسی، محور کار مدرسه‌ها در نظام آموزشی کنونی می‌باشد، لازم است به این ابزار مهم، بیشتر توجه شود (صادق‌زاده، ۱۳۸۶: ۱).

قاسمی در مقاله‌ای با عنوان «همبستگی ملی در کتب درسی دوره ابتدایی (مورد مطالعه: کتب فارسی)» کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی سال تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۶ را بررسی کرده است. یافته‌های وی نشان می‌دهد که میزان و چگونگی پرداختن به موضوع همبستگی ملی در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی، حاکی از اهمیت فراوان این موضوع در نظر برنامه‌ریزان آموزشی و طراحان کتاب‌های درسی این دوره است؛ از این رو حجم زیادی از درس‌ها (حدود ۵۲ درصد عناوین) به این موضوع اختصاص یافته و مجموعه درس‌ها به گونه‌ای طراحی شده که همبستگی ملی را تقویت می‌نماید؛ بنابراین همبستگی ملی تنها موضوعی در کنار دیگر موضوع‌های مطرح شده نیست؛ بلکه در مقام هدف کلان آموزشی، مبنایی برای طراحی و برنامه‌ریزی آموزشی قرار می‌گیرد (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۵۶).

منصوری و فریدونی در مقاله‌ای با عنوان «تبلور هویت در کتاب‌های درسی: بررسی محتوای کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی»، کتاب‌های فارسی (بخوانیم) دوره پنج ابتدایی کشور را مطالعه و بررسی کرده‌اند. پس از تحلیل داده‌ها مشخص می‌گردد که میزان توجه نگارندگان و برنامه‌ریزان درس‌های دوره ابتدایی به مقوله‌های هویت ملی (فرهنگ، مشاهیر، ادبیات، وطن، تاریخ، جغرافیا، هنر و میراث فرهنگی) کم است و ۷٪ کل موارد بررسی شده را تشکیل می‌دهد. استفاده از داستان‌ها و اسطوره‌های ملی باعث تقویت روحیه حماسی و میهن‌دوستی در کودکان می‌گردد و با شناساندن شخصیت‌های ملی در داستان‌ها ضمن آشنایی بیشتر با مفاخر و بزرگان، گونه‌ای اعتماد به نفس را در کودکان تقویت می‌کند. نتیجه پژوهش حاضر، اثبات کم‌توجهی به نقش داستان‌ها و اسطوره‌ها در تقویت روحیه ملی‌گرایی در کودکان است (منصوری و فریدونی، ۱۳۸۷: ۳۶-۲۷). در مطالعه‌ای دیگر که صالحی‌عمران، رضایی و نیاز آذری با عنوان «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره راهنمایی» انجام داده‌اند، سی جلد کتاب درسی دوره راهنمایی سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷ مطالعه شده و براساس یافته‌ها، توجه متعادلی به عناصر سازنده هویت ملی نشده است. بیشترین ضریب اهمیت در میان درس‌ها و صفحه‌های کتاب‌های درسی این دوره، به مقوله دینی - مذهبی اختصاص دارد. از مجموع درس‌های دوره راهنمایی، در ۲۹۹ درس (برابر با ۹۳۱ صفحه) به مقوله دین و مذهب، در ۹۶ درس (برابر با ۱۶۱ صفحه) به مقوله باستانی و ملی، و در ۲۱ درس (برابر با ۴۶ صفحه) به ارزش‌های فرهنگ غرب توجه شده است (صالحی‌عمران و دیگران، ۱۳۸۷).

عبدی و لطفی در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه هویت ملی در کتب درسی آموزش و پرورش، مورد مطالعه: کتاب تاریخ دوره دبیرستان» کتاب‌های درسی تاریخ دوره دبیرستان در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷ تاریخ ایران و جهان ۱ و ۲، تاریخ‌شناسی در علوم انسانی، و تاریخ معاصر ایران را مطالعه و بررسی کرده‌اند و دریافته‌اند که محتوای کتاب‌های تاریخ دوره دبیرستان، رویکرد و محتوای لازم برای تقویت هویت ملی را ندارد. با توجه به حساسیت مسأله هویت ملی در ایران و با در نظر گرفتن موقعیت فرهنگی، سیاسی - جغرافیایی، اجتماعی و سیاسی کشور، کوتاهی در استفاده از تمام امکانات ملی برای تقویت و معرفی آن می‌تواند عواقب خطرناکی را برای همبستگی ملی دربرداشته باشد؛ با وجود این، بی‌توجهی به مقوله هویت ملی در کتاب‌های درسی، در مقام یکی از مهمترین ابزارهای انتقال هویت ملی، درخور تأمل است. آثار این امر را

در بخش‌های مختلف، به‌ویژه درباره ضعف آگاهی از هویت ملی و وابستگی بدان می‌توان دید (عبدی و لطفی، ۱۳۸۷: ۷۲-۵۳).

میرعارفین در مقاله خویش با عنوان «هویت ملی - دینی در کتاب‌های درسی «دین و زندگی» و «تاریخ‌شناسی» دوره پیش‌دانشگاهی» نظرهای نمایندگان گروه‌ها درباره کتاب‌های دین و زندگی، و تاریخ‌شناسی مقطع پیش‌دانشگاهی را بررسی کرده است. درباره کتاب دین و زندگی، اعتقاد بر این است که طرح مباحث ضروری و اساسی درباره هویت فرهنگی و هویت دینی برای جوانان، به شکلی متنوع و همراه با زیبایی‌شناسی دین و فرهنگ دینی، کاملاً مسکوت مانده و بدان پرداخته نشده است؛ همچنین درباره کتاب تاریخ، نظر پاسخگویان، آن است که در این کتاب به نیازهای تاریخی و مذهبی دانش‌آموزان توجهی نشده و این امر تنها برای علاقه‌مندان به پژوهش‌های تاریخی، تاحدودی مفید است (میرعارفین، ۱۳۸۷).

خدایار و فتحی در مقاله‌ای با عنوان «هویت ملی در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش»، شانزده جلد از کتاب‌های درسی تاریخ؛ جامعه‌شناسی؛ زبان و ادبیات فارسی رشته‌های علوم تجربی، علوم انسانی و ریاضی و فیزیک در مقطع متوسطه، چاپ ۱۳۸۶ را بررسی نموده‌اند. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد که مؤلفان کتاب‌های درسی و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش در انعکاس مفاهیم و مصداق‌های هویت‌ساز، و بحث نظری هویت در کتاب‌های یاد شده عملکرد مناسبی داشته‌اند؛ اما در حوزه تمدن ایرانی، عملکردشان نسبتاً ضعیف است. غفلت از نماد پرچم در مقام یکی از عناصر اساسی هویت‌ساز که دربردارنده مفاهیمی ژرف از هویت دینی و ملی ماست، و همچنین بی‌توجهی به حوزه تمدن ایرانی از دیگر مواردی است که باید به آن بیشتر عنایت شود؛ زیرا از میان ۲۵۳ درس، تنها در چهار درس، یعنی ۱/۱۳ درصد، حوزه تمدن ایرانی و انعکاس مفهوم جهان ایرانی تبیین شده است. در طول تاریخ ایران، همواره فرهنگ و تمدن این سرزمین در منطقه‌های پیرامونش حضوری چشمگیر داشته است؛ به گونه‌ای که مطالعه تاریخ و فرهنگ ایران بدون توجه به این منطقه‌ها ناقص خواهد بود؛ بنابراین نوشتن هر نوع تاریخ تمدن ایرانی و توجه به هر گونه هویت ملی ایران بدون در نظر گرفتن این جنبه از حوزه تمدنی ایرانی، کاری ناتمام است. متأسفانه تاریخ تمدن ایران در کتاب‌های درسی مقطع متوسطه و در تمام سطوح آن، بدون توجه به این مهم، یعنی حوزه تمدنی ایران نوشته شده است (خدایار و فتحی، ۱۳۸۷: ۴۱-۲۸).

کرمی در پژوهشی با عنوان «بررسی مسأله هویت در کتب علوم اجتماعی» به تحلیل

ابعاد و زوایای هویت ملی در کتاب جامعه‌شناسی نظری (۱) رشته ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی سال دوم آموزش متوسطه، کتاب مطالعات اجتماعی سال اول «مشترک» پرداخته است. مطالعه او نشان می‌دهد که در این کتاب به مؤلفه‌های هویت ایرانی همچون زبان و ادب فارسی، اعیاد سنتی و ملی، و هنرهای بومی و ملی، کمتر توجه شده است، همچنین در بعد هویت تاریخی سیاسی، استقلال کشور، فراوانی بیشتری دارد و دیگر مؤلفه‌ها نظیر توفیق‌های ملی و بین‌المللی، فعالیت‌ها و عملکردها و اقدامات مثبت شخصیت‌ها مورد توجه اندک قرار گرفته است؛ در بعد هویت جغرافیایی در همه شاخص‌ها و مؤلفه‌ها توجه بسیار ناچیز است و در بعد هویت اجتماعی به شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی نظیر وحدت و همبستگی، پیوستگی به نهادها و سازمان‌های اجتماع، و عضویت در NGOها بیشترین توجه مبذول شده و به مؤلفه‌هایی چون احساس همدردی و همبستگی با دیگران توجه کافی نشده است (کرمی، ۱۳۸۷).

امیری در پایان‌نامه خود با عنوان «ترسیم هویت ایرانی در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و تاریخ متوسطه (۱۳۴۴-۱۳۲۰)» کوشیده تا بازنمایی هویت ملی را در کتاب‌های درسی سال‌های ۱۳۴۴-۱۳۲۰ مورد مذاقه قرار دهد. جامعه آماری این اثر را کتاب‌های ادبیات فارسی و تاریخ دوره ۲۴ ساله، تشکیل می‌دهند. در این پژوهش، هویت ایرانی به دو دسته ملی (ایرانی) و دینی (اسلامی) تقسیم گردیده و برای هر کدام، مؤلفه‌هایی تعریف گردیده است. امیری به این موضوع می‌پردازد که محتوای کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و تاریخ در دوره مورد مطالعه، با توجه به مؤلفه‌های معین شده، به شکل‌گیری هویت ایرانی کمک کرده است و هرکدام از این مؤلفه‌ها تا چه حد در کتاب‌های درسی یاد شده تأکید گردیده است (امیری، ۱۳۸۷: ۱).

خسروانیان در پایان‌نامه خود با عنوان «ترسیم هویت ملی در کتاب‌های درسی تاریخ متوسطه از سال ۱۳۸۶-۱۳۴۳» با استفاده از جامعه آماری کتاب‌های تاریخ دوره متوسطه از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۸۶ تلاش کرده تا ابعاد و زوایای هویت ایرانی را در این کتاب‌ها ترسیم نماید. دقت در یافته‌های این پژوهش، نشان از آن دارد که در کتاب‌های درسی تاریخ متوسطه تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) به جنبه ملی هویت ایرانی، اهمیت بیشتری داده شده و برعکس، در کتاب‌های منتشر شده بعد از به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی بدان سبب که انقلاب ایران، از نوع اسلامی است، به اسلام و آموزش مفاهیم اسلامی، توجه بیشتری شده است؛ همچنین در هر دو دوره مورد بحث (پیش و پس از انقلاب اسلامی در ایران) اوضاع سیاسی در محتوای این کتاب‌ها و در نهایت، شکل‌دهی به هویت ملی یا دینی دانش‌آموزان تأثیر داشته است (خسروانیان، ۱۳۸۷).

تقی‌زاده در پژوهشی با عنوان «ایران در کتاب‌های درسی دوره پهلوی اول»، ۳۱ جلد از کتاب‌های درسی دوره پهلوی اول را در حوزه هویت تحلیل نموده است. وی نخست کتاب‌ها را به تفکیک وزارتی و غیروزارتی، و سپس در کل، مطالعه کرده است. یافته‌های این اثر بیانگر آن است که تأکید کتاب‌ها بر شواهد و ارزش‌های باستانی، و عظمت سیاسی ایران در این دروان، و نیز دوباره زنده شدن هویت ایرانی از قرن چهارم، به سبب اختصاص یافتن سهم بیشتری از مباحث کتاب‌ها به شخصیت‌ها و سلسله‌های حکومتی ایران در دوران باستان و سپس دوران نخستین حکومت‌های مستقل ایرانی شده است؛ به عبارت دیگر، توجه به عظمت ایران باستان و تجدید حیات هویت ایرانی از قرن چهارم به بعد، رویکرد اصلی کتاب‌ها در تبیین مفهوم ایران می‌باشد (تقی‌زاده، ۱۳۸۷).

بررسی مطالعه‌های انجام شده درباره کتاب‌های درسی با رویکرد هویتی

مطالعه‌های انجام شده را می‌توان براساس موضوع‌های گوناگون دسته‌بندی نمود که از آن جمله‌اند: دوره تاریخی، مقطع آموزشی، سال، تعداد، جامعه آماری و گویه‌های بررسی شده. جدول شماره ۱ مطالعه‌های انجام شده در حوزه مورد بررسی را برحسب سال و تعداد نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: تعداد مطالعه‌های انجام شده درباره کتاب‌های درسی با تأکید بر هویت ملی به

تفکیک سال مطالعه

ردیف	سال	تعداد	مقطع تحصیلی
۱	۱۳۸۴	۱	متوسطه
۲	۱۳۸۵	۳	راهنمایی - متوسطه - پیش‌دانشگاهی
۳	۱۳۸۶	۲	ابتدایی - متوسطه
۴	۱۳۸۷	۹	کلیه مقاطع
۵	۱۳۸۸	۱	متوسطه

همانگونه که در این جدول می‌بینیم، بیشترین مطالعه در این حوزه، در سال ۱۳۸۷ انجام شده و کمترین تعداد مطالعه مربوط به سال آغاز توجه به این مهم یعنی سال ۱۳۸۴ (یک مورد) بوده است. براساس دوره زمانی کتاب‌های بررسی شده می‌توان به طور قاطع گفت که این مطالعه‌ها کتاب‌های درسی ایران را از آغاز تهیه و تدوین،

بررسی کرده‌اند. نگاهی به تاریخ تدوین و ترجمه کتاب‌های درسی نشان می‌دهد که تألیف (و ترجمه) کتاب‌های درسی در ایران به نخستین سال‌های پس از تأسیس دارالفنون باز می‌گردد که به سال ۱۲۳۰ هـ.ش به همت امیرکبیر بنیان‌گذاری گردید (کلاته‌عربی، ۱۳۸۴: ۸۵). در آغاز، کتاب‌های درسی به زبان خارجی و بیشتر فرانسه تدریس می‌شد. در همان سال‌های نخستین، معلمان ایرانی چند کتاب درسی را برای استفاده دانشجویان دارالفنون به فارسی تألیف و یا ترجمه کردند. این زمان، آغاز تهیه و تألیف کتاب‌های درسی به صورت جدید در ایران بود (مجیدی، ۱۳۶۴: ۶۸).

در سال ۱۲۷۲ وزارت فرهنگ تأسیس شد. تأسیس این وزارتخانه، اقدامی اساسی در جهت توسعه آموزش رسمی و کلاسیک تلقی گردید. اندکی بیش از ربع قرن بعد، در سال ۱۳۰۰ شورای عالی فرهنگ به وجود آمد و بسیاری از امور مربوط به آموزش و پرورش را تحت نظارت در آورد. می‌توان این رخداد را قدمی در راه یکدست کردن آموزش و پرورش محسوب نمود. در گام اول به سال ۱۳۰۸، چاپ و تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی تحت انحصار دولت قرار گرفت و با ثمر دادن این اقدام، پس از یک دوره ده ساله، عده‌ای از استادان به سال ۱۳۱۷ تهیه و چاپ کتاب‌های درسی را در دستور کار خود قرار دادند؛ سپس در یک دوره بیست ساله به دلیل مشکلات سیاسی و اقتصادی، دولت قادر به ادامه چاپ کتاب‌های درسی نبود و انحصار چاپ این دسته کتاب‌ها را به افراد مختلف واگذار کرد؛ در سال ۱۳۴۱ دوباره این کار از سوی دولت انجام شد (مجیدی، ۱۳۶۴: ۶۸)؛ با پیروزی انقلاب اسلامی، دگرگونی‌های اساسی در کتاب‌های درسی روی داد و کتاب‌های درسی‌ای که امروزه در اختیار دانش‌آموزان قرار دارد، باید براساس هدف‌های آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، طراحی و تدوین شود. جدول شماره ۲ مطالعه‌های انجام شده را به تفکیک دوره تاریخی نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲: تعداد مطالعه‌های انجام شده درباره کتاب‌های درسی با تأکید بر هویت ملی به تفکیک دوره تاریخی

ردیف	دوره تاریخی	تعداد
۱	پهلوی اول	۱
۲	پهلوی دوم	۲
۳	جمهوری اسلامی	۱۳

گرچه تعداد پژوهش‌ها در دوره‌های تاریخی متوازن نیست، این آثار قادر به عرضه تصویری جامع از رویکردهای موجود به هویت ملی به تفکیک دوره تاریخی مورد نظر هستند. تقی‌زاده در اثر خود با عنوان «ایران در کتاب‌های درسی دوره پهلوی اول» بدین نتیجه رسیده که در این دوران بر بعد باستانی و تاریخی هویت ملی، تأکید فراوان شده و به بعد دینی به صورتی بسیار حاشیه‌ای پرداخته شده است. وی در تفسیر کتاب‌های آن دوره می‌گوید:

در کتاب‌های درسی این دوره هویت ملی با ۷۷/۳ درصد از کل نمادهای هویت فرهنگی و با تأکید بر شواهد و ارزش‌های باستانی، به نحو مطلوبی در کتاب‌های فارسی منعکس شده است. هویت دینی (اسلامی) با ۲۲/۳ درصد، به شکلی کم‌رنگ و در خلال حکایت‌ها و اشعار اخلاقی به صورت غیرمستقیم طرح شده است؛ هویت قومی با ۰/۳۹ درصد در کتاب فارسی نادیده گرفته شده است. تأکید کتاب‌ها بر شواهد و ارزش‌های باستانی و عظمت سیاسی ایران در این دوران، و احیا شدن مجدد هویت ایرانی از قرن چهارم به سبب اختصاص سهم بیشتری از مباحث کتاب‌ها به شخصیت‌ها و سلسله‌های حکومتی ایران در دوران باستان و سپس در دوران نخستین حکومت‌های مستقل ایرانی شده است؛ به عبارت دیگر، توجه به عظمت ایران و تجدید حیات هویت ایرانی از قرن چهارم به بعد، رویکرد اصلی کتاب‌ها در تبیین مفهوم ایران است (تقی‌زاده، ۱۳۸۸).

امیری نیز در مطالعه خود بر این نکته تأکید کرده که در کتاب‌های تاریخ و ادبیات فارسی از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۴ تأکید بر هویت ملی بیش از هویت اسلامی بوده است (امیری، ۱۳۸۷). در حالی که کتاب‌های درسی در دو دوره تاریخی بررسی شده، تأکید و اهتمام فراوانی بر هویت ملی و به‌ویژه بعد باستانی آن داشته‌اند، در دوران پس از انقلاب اسلامی با توجه به ماهیت اسلامی انقلاب، توجه کتاب‌های درسی بیشتر معطوف به هویت دینی بوده است. خسروانیان با بررسی روند تغییرهای ترسیم هویت ملی در کتاب‌های درسی به نتیجه مشابهی رسیده است؛ بدین شرح که در کتاب‌های درسی تاریخ متوسطه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) به جنبه ایرانی هویت ملی، اهمیت بیشتری داده شده و برعکس، در کتاب‌های منتشر شده بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بدان سبب که، انقلاب ایران از نوع اسلامی است، به اسلام و آموزش مفاهیم اسلامی، اهمیت بیشتری داده شده است (خسروانیان، ۱۳۸۷). به جز سه اثر یاد شده، دیگر مطالعه‌ها درباره مطالعات کتاب‌های درسی دوران اخیر انجام گرفته است. جدول شماره ۳ مطالعه‌های انجام شده را برحسب جامعه آماری و سال انجام آنها نشان می‌دهد.



جدول شماره ۳: مطالعه‌های انجام شده برحسب جامعه آماری و سال انجام آنها

ردیف	عنوان	محقق	جامعه آماری	سال
۱	مطالعه تطبیقی هویت ملی ایرانی در کتاب‌های درسی دوره متوسطه سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۶۰ و ۱۳۸۲	ابولقاسم کلاته‌عربی	دوازده کتاب درسی دوره متوسطه در سه دوره زمانی	۱۳۸۴
۲	بررسی میزان برخورداری کتب فارسی، تاریخ و تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی از مؤلفه‌های هویت ملی	بابک شمشیری و محمودرضا نوشادی	تعلیمات اجتماعی، تاریخ و فارسی دوره راهنمایی	۱۳۸۵
۳	جایگاه هویت ملی و دینی در کتب درسی دوره متوسطه	مریم علیرضایی	هفت کتاب درسی برای هویت ملی، چهار کتاب (جامعه‌شناسی ۱ و ۲ و تاریخ ایران و ادبیات) و برای هویت دینی سه کتاب (دین و زندگی ۱ و ۲ و ۳)	۱۳۸۵
۴	بررسی تأثیر خانواده و کتاب‌های درسی بر هویت دینی دانش‌آموزان دختر دوره پیش‌دانشگاهی تبریز	لیدا قلی‌زاده برهانی	۴۴ پرسشنامه از والدین، دوازده مصاحبه عمیق نیمه‌ساختار یافته با دانش‌آموزان و تحلیل محتوای کتاب‌های درس دینی دوره پیش‌دانشگاهی	۱۳۸۵
۵	بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره آموزش ابتدایی	ابراهیم صالحی عمران و طنناز شکیبیان	۲۷ جلد کتاب درسی آموزش ابتدایی سال ۱۳۸۲-۱۳۸۱	۱۳۸۶
۶	بررسی نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی تاریخ و ادبیات فارسی دوره متوسطه رشته علوم انسانی ایران	رقیه صادق‌زاده	کتاب‌های تاریخ و ادبیات فارسی دوره متوسطه رشته علوم انسانی در سال ۱۳۸۵	۱۳۸۶
۷	همبستگی ملی در کتب درسی دوره ابتدایی (مورد مطالعه: کتب فارسی)	حاکم قاسمی	کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۵	۱۳۸۷
۸	تیلور هویت در کتاب‌های درسی: بررسی محتوای کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی	علی منصوری و آرزینا فریدونی	کتاب‌های فارسی (بخوانیم) دوره پنج‌گانه ابتدایی کشور	۱۳۸۷
۹	بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره راهنمایی	ابراهیم صالحی‌عمران، احمدرضایی و کیومرث نیازآذری	سی جلد کتاب درسی دوره راهنمایی در سال ۱۳۸۷-۱۳۸۶	۱۳۸۷

۱۳۸۷	کتاب‌های درسی تاریخ دوره دبیرستان در مقطع زمانی سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶ شامل تاریخ ایران و جهان ۱ و ۲، تاریخ‌شناسی در علوم انسانی و تاریخ معاصر ایران	عطاءالله عبدی و مریم لطفی	جایگاه هویت ملی در کتب درسی آموزش و پرورش مورد مطالعه: کتاب تاریخ دوره دبیرستان	۱۰
۱۳۸۷	مقطع پیش‌دانشگاهی، دین و زندگی، تاریخ‌شناسی	فاطمه میرعارفین	هویت ملی - دینی در کتاب‌های درسی «دین و زندگی» و «تاریخ‌شناسی» دوره پیش‌دانشگاهی	۱۱
۱۳۸۷	شانزده جلد از کتاب‌های درسی تاریخ، جامعه‌شناسی؛ زبان و ادبیات فارسی رشته علوم تجربی، علوم انسانی و ریاضی و فیزیک در مقطع متوسطه، چاپ ۱۳۸۶	ابراهیم خدایار و اعظم فتحی	هویت ملی در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش	۱۲
۱۳۸۷	کتاب جامعه‌شناسی نظری (۱) رشته ادبیات و علوم انسانی، علوم و معارف اسلامی سال دوم آموزش متوسطه، کتاب مطالعات اجتماعی سال اول «مشترک»	سعید کرمی	بررسی مسأله هویت در کتب علوم اجتماعی	۱۳
۱۳۸۷	کتاب‌های ادبیات فارسی و تاریخ دوره مورد مطالعه	حسن امیری	ترسیم هویت ایرانی در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و تاریخ متوسطه (۱۳۴۴-۱۳۲۰)	۱۴
۱۳۸۷	کتاب‌های تاریخ درسی متوسطه از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۸۶	حمیدرضا خسروانیان	ترسیم هویت ملی در کتاب‌های درسی تاریخ متوسطه از سال ۱۳۴۳-۱۳۸۶	۱۵
۱۳۸۸	۳۱ جلد از کتاب‌های درسی دوره پهلوی اول	اکبر تقی‌زاده	ایران در کتاب‌های درسی دوره پهلوی اول	۱۶

نگاهی به عنوان‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهد که این بررسی‌ها قادر به عرضه تصویری از چگونگی عملکرد کتاب‌های درسی در حوزه هویت ملی و دینی در کشور ما می‌باشند؛ بیشترین مطالعه‌های مربوط به دو دوره تحصیلی ابتدایی و متوسطه است و دوره متوسطه (شامل دبیرستان و پیش‌دانشگاهی) در مقایسه با دوره ابتدایی بیشتر مورد

مطالعه قرار گرفته است؛ مطالعه‌های مربوط به کتاب‌های درسی دوره راهنمایی تحصیلی کمترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند؛ بیشتر پژوهش‌ها درباره کتاب‌های فارسی، تاریخ و علوم اجتماعی انجام شده است و در تمامی مطالعه‌ها روش تحلیل محتوا به کار رفته است؛ جز یک اثر که در آن از روش ترکیبی تحلیل محتوا در کنار مصاحبه استفاده شده است.

گرچه جامعه آماری این تحقیق‌ها براساس سال تحصیلی، تعداد و موضوع کتاب‌های بررسی شده، و هدف‌ها و مقطع تحصیلی متفاوت است با توجه به هدف فراتحلیل حاضر، امکان توصیف وضعیت و ابزارهای کتاب‌های یاد شده را برای تقویت و حفظ علاقه به هویت ملی فراهم می‌آورد. جدول شماره ۴ پژوهش‌ها را برحسب دو نوع گویه بررسی شده هویت (ملی و دینی) نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴: مطالعه‌های انجام شده برحسب مقطع تحصیلی و گویه‌های هویت دینی و ملی

ردیف	پژوهشگر	مقطع تحصیلی	گویه‌های هویت ملی	گویه‌های هویت دینی
۱	ابراهیم صالحی عمران و طناز شکیبیان	ابتدایی	اسطوره‌های ملی و شاهنامه‌ای، نهادهای ملی، رسوم ملی، میراث فرهنگی، جغرافیای ایران و ارزش‌های ملی	چهار شاخص ارزش‌های دینی - مذهبی، اسطوره‌های دینی - مذهبی، مراسم دینی و مکان‌های مذهبی
۲	حاکم قاسمی	ابتدایی	ایجاد احساس وابستگی به جامعه (ملت) در فرد؛ ایجاد ارتباط بین فرد و سرزمین (وطن)؛ ایجاد حس وطن‌دوستی؛ تأکید بر رویدادهای بزرگ تاریخی و حماسه‌های ملی؛ تأکید بر نشانه‌ها و نمادهای ملی؛ تأکید بر سنت‌ها و آداب و رسوم ملی؛ معرفی مفاخر و شخصیت‌های بزرگ ملی؛ تأکید بر هدف‌های ملی و آینده مشترک؛ توجه دادن دانش‌آموزان به اهمیت همبستگی ملی و نتیجه‌های مثبت آن؛	
۳	علی منصوری و آزیتا فریدونی	ابتدایی	فرهنگ، معماری، اقوام، ادبیات، تاریخ باستان	

۴	ابراهیم صالحی عمران، احمد رضایی و کیومرث نیاز آذری	راهنمایی	ارزش‌های باستانی، ارزش‌های دینی - مذهبی، ارزش‌های فرهنگ غرب
۵	بابک شمشیری و محمودرضا نوشادی	راهنمایی	ارزش‌های ملی، هنجارهای ملی، میراث فرهنگی، اسطوره‌های ملی، نمادهای ملی، ویژگی‌های جغرافیایی، خرده‌فرهنگ‌های قومی، اختراعات ملی و تعامل‌های بین‌المللی
۶	مریم علیرضایی	متوسطه	ادبیات ملی، سنت، احساس تعلق، مشترکات ملی، دین آگاهی، خداشناسی، انسان‌شناسی، التزام عملی، نگرش دینی، جهاد
۷	عطاءالله عبدی و مریم لطفی	متوسطه	برخی از اسطوره‌ها، رویدادها، شخصیت‌ها و نقطه عطف تاریخ ایران که به نوعی در شکل‌گیری هویت ملی تأثیرگذار بوده‌اند
۸	رقیه صادق‌زاده	متوسطه	نمادها و تصویرهای هویت ملی
۹	ابراهیم خدایار و اعظم فتیحی	متوسطه	فرهنگ (در مجموع ده متغیر): زبان، ادبیات، اعیاد و جشن‌ها، لباس و نوع پوشش، آداب و رسوم و سنت‌ها، اخلاق و رفتار، اسطوره‌ها، فرهنگ عامه، ضرب‌المثل‌ها، هنر و معماری تاریخ (در مجموع چهار متغیر): مشاهیر ادبی و سیاسی و علمی، مسائل تاریخی ملی، تاریخ و تمدن اقوام، قلمرو جغرافیایی - سیاسی (در مجموع سیزده متغیر): دفاع از میهن، حفظ تمامیت ارضی، ملت، جغرافیای سرزمین، قانون اساسی، پرچم
۱۰	لیدا قلی‌زاده برهانی	پیش دانشگاهی	مؤلفه‌های هویت دینی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت دینی
۱۱	فاطمه میرعارفین	پیش دانشگاهی	تاریخ و تاریخ ایران که به نوعی در شکل‌گیری هویت ملی تأثیرگذار بوده، هنر و تاریخ مؤلفه‌های هویت دینی (قران، تمدن اسلامی، سنت و سیره)

توجه به عناصر دینی، اعتقاد به پیشوایان دینی، پابندی به ارزش‌ها و هنجارهای دینی، سرودهای مذهبی	توجه به عناصر ملی، زبان فارسی، جشن و اعیاد و سرودهای ملی، وحدت و همبستگی، افتخار به کشور	متوسطه	سعید کرمی	۱۲
مؤلفه‌های هویت دینی، اسلام‌گرایی	تاریخ باستان، جغرافیا، مؤلفه‌های اجتماعی فرهنگی، زبان و ادبیات	متوسطه	ابولقاسم کلاته عربی	۱۳
یازده مؤلفه برای هویت اسلامی	سبزه مؤلفه برای هویت ملی	متوسطه	حسن امیری	۱۴
دینداری و پابندی به ارزش‌های اسلامی	تاریخ و فرهنگ و سایر مؤلفه‌های هویت ملی	متوسطه	حمیدرضا خسروانیان	۱۵
مؤلفه‌های هویت دینی	نمادهای فرهنگی و ارزش‌های باستانی، زبان و ادبیات	متوسطه	اکبر تقی‌زاده	۱۶

همان‌طور که در جدول ۴ آمده است، مطالعه‌های انجام شده بیشتر با ابعاد هویت ملی و یا هویت دینی مرتبط است. گرچه برخی آثار، هویت قومی و یا انقلابی را نیز مطالعه کرده‌اند، برخی نیز به بررسی تصویرهای موجود در کتاب‌ها پرداخته‌اند و بعضی متن درس‌ها را بررسی کرده‌اند. اسطوره‌ها، تاریخ و نقطه عطف‌های آن، فرهنگ و نمادهای ملی، از جمله موارد بررسی شده در عرصه هویت ملی در کتاب‌های درسی است و قرآن، تمدن اسلامی، خدانشناسی، اندیشه اسلامی، اسطوره‌های دینی، مراسم و مناسک دینی از موارد تحلیل شده در کتاب‌های درسی درباره هویت دینی می‌باشند. هویت انقلابی تنها در دو مطالعه بررسی شده و ایثار، شهادت، دفاع مقدس، ولایت فقیه و مراسم مرتبط با انقلاب اسلامی را شامل می‌شوند؛ هویت قومی نیز در دو مطالعه مورد توجه قرار گرفته که در آنها ویژگی‌های قومی فرهنگ و آداب قومی به منزله گویه‌های مورد مطالعه ذکر شده است.

نتایج به دست آمده از مطالعه‌های بررسی شده

نتایج به دست آمده از مطالعه‌های بررسی شده با توجه به گویه‌های به کار رفته و نیز هدف‌های مورد نظر، قابل دسته‌بندی است. دسته‌بندی یافته‌های این آثار براساس دوره‌های زمانی، نشان از این واقعیت دارد که بین هدف‌ها و سیاست‌های کلان جامعه، و محتوای کتاب‌های درسی ارتباط برقرار است؛ به طوری که در دوران پهلوی اول که سیاست حاکم بر بزرگنمایی تاریخ باستان در مقابل ارزش‌های دینی و اسلامی، متمرکز بود، هویت ملی با ۷۷/۳ درصد از کل نمادهای هویت فرهنگی و با تأکید بر شواهد و ارزش‌های باستانی، به میزان بسیار زیاد مطرح شده است؛ درحالی‌که هویت دینی و اسلامی با ۲۲/۳ درصد به شکلی کم‌رنگ و در میان حکایت‌ها و شعرهای اخلاقی به صورت غیرمستقیم طرح گردیده است. هویت قومی با میزان کاربرد ۰/۳۹ درصد، در کتاب‌های فارسی نادیده گرفته شده است (تقی‌زاده، ۱۳۸۸). در دو پژوهشی که یکی به تنهایی به کتاب‌های درسی دوران پهلوی دوم پرداخته، و دیگری از نوع مقایسه‌ای است و روند دگرگونی توجه به هویت ملی و دینی از سال ۱۳۴۳ تا سال ۱۳۸۶ را بررسی کرده است، نشان داده شده که در کتاب‌های درسی دوره متوسطه پیش از انقلاب اسلامی، به جنبه ایرانی بودن هویت ملی، بیشتر اهمیت داده شده و برعکس در کتاب‌های منتشر شده بعد از انقلاب، بدان سبب که انقلاب ایران، از نوع اسلامی است، به اسلام و آموزش مفاهیم اسلامی اهمیت بیشتری داده شده است؛ همچنین در هر دو دوره مورد بحث (پیش و پس از انقلاب اسلامی ایران) اوضاع و احوال سیاسی در محتوای این آثار از نظر شکل‌دهی هویت ملی یا دینی در دانش‌آموزان اثر گذاشته است (خسروانیان، ۱۳۸۷).

مطالعه‌های انجام شده درباره کتاب‌های درسی با رویکرد توجه به هویت ملی، نشان می‌دهد که محتوای کتاب‌های درسی به منزله یکی از ابزارهای بسیار مهم و تأثیرگذار بر ایجاد و تقویت هویت ملی از سال ۱۳۸۴ به این سو مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و طی این دوره پنج ساله، دوازده پژوهش در زمینه کتاب‌های درسی دوران حاضر انجام گشته است که برحسب جامعه آماری، سه مطالعه درباره کتاب‌های ابتدایی، دو مطالعه درباره کتاب‌های راهنمایی، پنج مطالعه درباره کتاب‌های دوره دبیرستان و دو مطالعه نیز مربوط به کتاب‌های پیش‌دانشگاهی است. گرچه جامعه نمونه و حتی بسیاری از گویه‌های این پژوهش‌ها دقیقاً نظیر یکدیگر نیست، از آنجا که متغیر وابسته آنها هویت ملی و دینی است، می‌توان با کمی چشم‌پوشی به عرضه تصویری از وضع آموزش هویت ملی و دینی در کتاب‌های درسی دوره آموزش عمومی کشور در حال حاضر پرداخت.

از سه مطالعه انجام شده درباره کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی، دو اثر نشان داده‌اند که محتوای کتاب‌های درسی نمی‌تواند نقش چندان مؤثری در شکل‌گیری و تحکیم هویت ملی که یکی از ابعاد مهم شخصیت سالم و رشد همه‌جانبه فردی و اجتماعی دانش‌آموزان به شمار می‌رود، ایفا نماید (صالحی‌عمران و شکیباییان، ۱۳۸۶)؛ همچنین می‌توان دریافت که میزان توجه نگارندگان و برنامه‌ریزان درس‌های دوره ابتدایی به مقوله‌های هویت ملی (فرهنگ، مشاهیر، ادبیات، وطن، تاریخ، جغرافیا، هنر و میراث فرهنگی) کم بوده و این مقدار، ۷٪ کل موارد بررسی شده را تشکیل می‌دهد. در مجموع نگارندگان کتاب فارسی دوره ابتدایی از ابزارهای مفیدی همچون شعر، واژه، نثر و داستان برای تقویت ارزش‌های ملی ایرانی و نیز روح حماسی در کودکان، چندان استفاده‌ای نکرده‌اند (نوشادی و فریدونی، ۱۳۸۵). تنها مطالعه‌ای که کتاب‌های فارسی ابتدایی را از نظر تأکید بر مؤلفه‌های هویت ملی، مناسب شمرده و در عین حال بر وجود خلأهایی در این حوزه اذعان دارد، آورده است. با نگاهی آسیب‌شناسانه درمی‌یابیم که در برنامه مذکور، ضعف‌هایی نیز وجود دارد که مانع دستیابی به اهداف آموزشی است (قاسمی، ۱۳۸۷). براساس این یافته‌ها در کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی، دانش‌آموز با کمترین درس، کمترین صفحه و کمترین تصویر از کتب دوره می‌تواند با هویت ملی خود آشنا گردد و این نتیجه، آینده مطلوبی را برای کشوری با بیش از ۶۰٪ جمعیت زیر ۲۴ سال که از جوان‌ترین کشورهای جهان شناخته شده، به بار نخواهد آورد (صالحی‌عمران و شکیباییان، ۱۳۸۶).

دیگر محققان نیز به نتیجه مشابهی بدین شرح دست یافته‌اند: کتاب فارسی دوره چهارم ابتدایی بیشترین تصاویر مرتبط با هویت ملی را دارا بوده و به ترتیب، کتاب‌های فارسی دوره‌های اول، سوم، دوم و پنجم ابتدایی در زمینه استفاده از تصاویر در انتقال مفاهیم، در رتبه متوسط تا ضعیف قرار دارند (منصوری و فریدونی، ۱۳۸۷).

در دیگر مقطع‌های تحصیلی نیز یافته‌ها از وضعیت مشابهی حکایت دارند؛ به طوری که در بررسی کتاب‌های دوره راهنمایی نیز به گونه‌ای به این ضعف اشاره شده است:

به برخی از مؤلفه‌های مربوط به پدیده هویت ملی در حد نسبتاً مناسبی پرداخته شده است که این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: بعد دینی و بعد سیاسی؛ این در حالی است که برخی دیگر از ابعاد هویت ملی شدیداً مورد غفلت قرار گرفته‌اند. ابعاد مذکور به ترتیب عبارتند از: هنرهای ملی، اسطوره‌های ملی، خرده‌فرهنگ‌های قومی، نمادهای ملی و تعاملات بین‌المللی (شمشیری و نوشادی، ۱۳۸۵: ۱۷۱).

در مقطع دبیرستان نیز گرچه مطالعه‌ها محدود به کتاب‌هایی در یک رشته خاص است پژوهشگران یادآور می‌شوند که: «مقوله فرهنگ با ۲۸۶ واژه بیشترین میزان، و هنر و معماری ایرانیان با ۲٪ واژه، و فرهنگ قومی بدون هیچ‌گونه معرفی، کمترین میزان را به خود اختصاص داده است؛ از تعداد ۲۶ نثر مرتبط با هویت ملی، تنها هفت نثر مربوط به متون کهن و مرتبط با هویت ملی باستان ایرانیان است. «مؤلفان کتاب‌های درسی و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش در انعکاس مفاهیم و مصادیق هویت‌ساز و بحث نظری هویت در کتاب‌های جامعه‌شناسی عملکرد موفقیت‌آمیزی داشته‌اند؛ به طوری که از مجموع ۲۵۳ درس، ۵۷ درصد به مقوله فرهنگ، ۲۷ درصد به تاریخ، یازده درصد به قلمرو جغرافیای - سیاسی و پنج درصد به دین و مذهب اختصاص دارد. غفلت از نماد پرچم در مقام یکی از عناصر اساسی هویت‌ساز که در بردارنده مفاهیمی ژرف از هویت دینی و ملی ماست، و کم‌توجهی به تنوع قومی و هویت جنسیتی از ضعف‌هایی است که در کتاب‌های یاد شده، مشاهده شده است و نیاز به تجدید نظر و اصلاح دارد». چنین مشکلی به‌ویژه در کتاب‌های تاریخ به چشم می‌خورد: «آگاهی‌های تاریخی که یکی از شاخصه‌های مهم هویتی ملت‌ها به شمار می‌رود. ایران با دارا بودن زمینه‌های مختلف همبستگی ملی، از معدود کشورهای تاریخی است که می‌تواند با شناساندن و تأکید بر نقاط عطف و افتخارآمیز این تاریخ، بیش از پیش برای تقویت حس ملت بودن و همگرایی ملی از آن بهره برد. این امر در وهله نخست برعهده نهاد آموزش و پرورش است تا در قالب کتب درسی، به‌ویژه درس تاریخ به این مهم پردازد» (عبدی و لطفی، ۱۳۸۷). با توجه به اهمیت موضوع‌های طرح شده در کتاب‌های درسی باید با تأمل بیشتری آنها را مورد بررسی قرار داد و در تدوین آنها دقت نموده و مصلحت‌های ملی را در آنها لحاظ نمود؛ زیرا منشأ بسیاری از نگرش‌ها و اندیشه‌های انسان، تصویربرداری و معناسازی‌هایی است که از بدو تولد در خانه، و پس از آن در مدرسه شکل می‌گیرد و می‌توان به اهمیت دوره آموزش عمومی در شکل‌گیری هویت ملی به مثابه رکن بنیادین شخصیت فرد و متمایزکننده او از دیگران، در میان دانش‌آموزان دوره‌های ابتدایی و راهنمایی پی برد.

بحث و نتیجه‌گیری

بیشتر پژوهشگرانی که در حوزه هویت به بحث و بررسی پرداخته‌اند، معتقدند که مؤلفه‌های ملی و دینی هویت ایرانی به دنبال زندگی مشترک و طولانی تاریخی به میزان زیادی با یکدیگر سازگاری یافته‌اند. استاد مطهری در کتاب «خدمات متقابل اسلام و

ایران» بر این مهم تأکید می‌ورزد که هویت ملی ایرانیان دارای دو بخش جدا ناشدنی ملی و دینی است که در طول تاریخ با یکدیگر درآمیخته‌اند و به شدت به یکدیگر وابسته‌اند (مطهری، ۱۳۶۲: ۱۸۰). بررسی پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر صورت گرفته، نیز مؤید این معناست. آخوندی در مطالعه خویش دریافته که

به ازای هر واحد تقویت هویت ملی، هویت دینی به اندازه ۷۴۸٪ واحد تقویت می‌شود و به ازای هر واحد تضعیف هویت ملی، هویت دینی نیز به اندازه ۷۴۸٪ واحد تضعیف می‌شود (آخوندی، ۱۳۸۳: ۲۵۰).

براساس یافته‌های حاضر و با توجه به ویژگی‌های جمعیتی کشور ما لازم است هر دو بعد دینی و ملی هویت ملی ایرانیان مورد توجه تدوین کنندگان کتاب‌های درسی قرار گیرد و افراط و تفریط در یکی از ابعاد، نه تنها به تقویت آن بعد در مقابل تضعیف جنبه‌های دیگر منجر نمی‌شود، بلکه بعد مورد نظر را نیز تقویت نخواهد کرد؛ بنابراین در تدوین کتاب‌های درسی با رویکرد هویت ملی باید به این مهم توجه کرد که دو بعد دینی و ملی همزمان تقویت شوند.

بی‌تردید آموزش و پرورش با استفاده از ابزارهای مختلف شامل فضای آموزشی، معلمان و کتاب‌های درسی، نهاد بسیار تأثیرگذاری در القای هویت ملی دانش‌آموزان و شکل دادن بدان است و از این راه، قادر به ایجاد زمینه‌های وحدت ملی در جامعه می‌باشد. مطالعه‌های انجام شده درباره کتاب‌های درسی در سال‌های اخیر از کارآمد نبودن کتاب‌های درسی در وظیفه ذاتی خود در این زمینه حکایت می‌کند. با توجه به اینکه مهمترین دوران شکل‌گیری هویت و هویت‌یابی، نوجوانی و جوانی است و آموزه‌های این دوران زندگی انسان همچون نقش‌هایی حک شده بر سنگ‌نوشته‌ها به آسانی از خاطر فرد محو نخواهد شد. درحالی که در نگاه نخست به نظر می‌رسد که وظیفه نهاد آموزش، علم‌آموزی به گروه مخاطب است ولی حقیقت پنهان این است که مهمترین و اساسی‌ترین مأموریت این نهاد در هر جامعه‌ای، تربیت انسان‌های علاقه‌مند به وطن، آگاه به ارزش‌های ملی و دینی، و متعهد و متعلق به کشور و دین می‌باشد و از آنجا که ایجاد زمینه‌های وابستگی به جامعه ملی در کودکان، نوجوانان و جوانان از مهمترین وظیفه‌های حکومت است که از طریق نهادهای تربیتی در این راه اقدام می‌کند، ضروری است که در تدوین این کتاب‌ها دقت بیشتری مبذول گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آخوندی، محمدباقر (۱۳۸۳): *هویت ملی - مذهبی جوانان*، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، بوستان کتاب قم.
- امیری، حسن (۱۳۸۷): *ترسیم هویت ایرانی در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و تاریخ متوسطه (۱۳۴۴-۱۳۲۰)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ایزدی، صمد و محمود شارع‌پور و راضیه قربانی قهرمان (۱۳۸۸): «بررسی نقش برنامه درسی پنهان در ایجاد نگرش به اقتدار، تقویت هویت ملی و جهانی شدن»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۰، ش ۳، صص ۷۸-۵۲.
- تقی‌زاده، اکبر (۱۳۸۸): *ایران در کتاب‌های درسی دوره پهلوی اول*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- خدایار، ابراهیم و اعظم فتاحی (۱۳۸۷): «هویت ملی در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش مورد مطالعه: دوره متوسطه»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۹، ش ۳، صص ۴۱-۲۸.
- خسروانیان، حمیدرضا (۱۳۸۷): *ترسیم هویت ملی در کتاب‌های درسی تاریخ متوسطه از سال ۱۳۸۶-۱۳۴۳*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ربانی، جعفر (۱۳۸۰): «برنامه‌های درسی و شکل‌گیری هویت»، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد*، صص ۳۹-۱۶.
- سلطان‌محمدی، زلیخا (۱۳۸۰): *بحران هویت فرهنگی در جوانان و نقش مدرسه در آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- شریعت‌مداری، علی (۱۳۶۶): *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران: امیرکبیر.
- شمشیری، بابک و علیرضا نوشادی (۱۳۸۶): «بررسی میزان برخورداری کتب فارسی، تاریخ و تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی از مؤلفه‌های هویت ملی».
- صادق‌زاده، رقیه (۱۳۸۶): *بررسی نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی تاریخ و ادبیات فارسی دوره متوسطه رشته علوم انسانی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا.
- صافی، احمد (۱۳۷۹): *آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه*، تهران: سمت.
- صالحی‌عمران، ابراهیم و دیگران (۱۳۸۷): «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره راهنمایی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۹، ش ۳، صص ۱۹-۲.
- صالحی‌عمران، ابراهیم و طناز شکیباییان (۱۳۸۶): «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره آموزش ابتدایی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۸، ش ۱، صص ۴۸-۳۱.
- طالبی، سکینه (۱۳۷۸): *تحول هویت ملی دانش‌آموزان دختر دوره‌های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه شهر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- عبدی، عطاءالله و مریم لطفی (۱۳۸۷): «جایگاه هویت ملی در کتب درسی آموزش و پرورش مورد مطالعه: کتاب تاریخ دوره دبیرستان»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۹، ش ۳، صص ۷۲-۵۳.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۷۱): *مقدمات مدیریت آموزشی*، تهران: بعثت.
- ----- (۱۳۷۵): *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، نشر روان.

- علیرضایی، مریم (۱۳۸۵)؛ جایگاه هویت ملی و دینی در کتب درسی دوره متوسطه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.
- قاسمی، حاکم (۱۳۸۷)؛ «همبستگی ملی در کتب درسی دوره ابتدایی (مورد مطالعه: کتب فارسی)»، فصلنامه مطالعات ملی، س ۹، ش ۲، صص ۱۵۰-۱۳۳.
- قلی‌زاده برهانی، لیدا (۱۳۸۵)؛ بررسی تأثیر خانواده و کتاب‌های درسی بر هویت دینی دانش‌آموزان دختر دوره پیش‌دانشگاهی تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا.
- کلاته عربی، ابوالقاسم (۱۳۸۴)؛ مطالعه تطبیقی هویت ایرانی در کتاب‌های درسی دوره متوسطه سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۵۶ و ۱۳۸۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- کریمی، سعید (۱۳۸۷)؛ بررسی مسأله هویت در کتاب علوم اجتماعی دبیرستان، آموزش و پرورش و هویت جوانان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- مجیدی، موسی (۱۳۶۴)؛ «تاریخچه مختصر کتاب‌های درسی و سیر تطور آن در ایران: از دارالفنون تا به امروز»، تعلیم و تربیت، ش ۵۷.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا.
- مهر محمدی، محمود (۱۳۷۹)؛ نظریه‌های برنامه درسی، تهران: سمت.
- میرزایی، مصطفی (۱۳۸۷)؛ بازتابی انواع هویت جمعی (محلی، قومی، دینی و...)؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

